

حماسه حسینی

شعر از: دکتر محمد صادق محقق

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی دزفول

یادداشت:

شاید خواننده گرامی این اشکال را بر ما بگیرد که مجله علمی تحقیقی است، پس این قصیده چه محلی از اعراب دارد. پاسخ این اشکال بسیار روشن است. مگر قرآن معجزه بیانی، و به عبارتی آشکار تر «معجزه گفتاری نبوده است؟» افزون بر این مگر یک پژوهشگر قرآنی که زبان رسمی وی فارسی است، می‌تواند بدون داشتن پشتونه زبانی و ادبی مقصود خود و یافته‌های خود را بیان کند؟ پس شناخت زبان و ادبیات فارسی نیز برای قرآن پژوهی لازم و ضروری است. بویژه ادبیات فارسی که بیش از دیگر زبانهای دنیا تحت تأثیر قرآن و مفاهیم آن قرار داشته است، و این قصیده علاوه بر اینکه نشانگر تعهد شاعر نسبت به خاندان نبوت (ص) خود از شعر ناب فارسی بشمار می‌آید. «زبان و علوم قرآن»

خیز و آهنگ سواران را ببین های و هوی رهسپاران را ببین
در سکوت ریگزاران سیاه جوشش سبز بهاران را ببین
پیج و تاب جویاران را ببین در سراب خوابناک مرده دل
خون گرم چشمہ ساران را ببین در دل سنگین و سرد صخره‌ها
اشتیاق جان نثاران را ببین در نفیر سخت جانان نفور
نغمه سرخ هزاران را ببین در خزان زرد روی شوره بوم
در حصار بی سر و پا سفلگان
سرپرازان، سربداران را ببین

نسل میر حق گزاران را ببین	بر درفش شیر مردان غیور
مرگ با عزت کمال زندگی است	زندگی با ظالمان شرمندگی است
هر یکی را ملک جم زیر نگین	بر نشسته شهسوارانی به زین
پیشمرگان سپهسالار دین	پیشتازان ره آزادگی
قاتلان قاسطین و مارقین	وارثان صولت شیرخدا
نامشان آرایه عرش برین	گامشان پیرایه بند فرش خا
ذکر آنان رمز اصحاب الیمین	وصف آنان معنی والعادیات
لوژه بر اندام خیل مشرکین	اهتزاز تیغشان می‌افکند
ننگ نیرنگ از زمین شوخگین	می‌زداید نعل مرکبهایشان
زین سرود سرخ آنان پرطنین	می‌روند و رهگذرها می‌شود
قاعدان کاہل عزلت گزین	کای امان خواهان گنج عافیت
مرگ با عزت کمال زندگی است	زندگی با ظالمان شرمندگی است
گرگی چون شاید که چوبانی کند	دیوکسی زیبد سلیمانی کند
روزه‌هارا شام ظلمانی کند	گر رقیب مهرگرد اهرمن
Roxne در دین مسلمانی کند	پوربوسفیان اگر شد پیشوا
پشت بر آیات قرائی کند	جاہلیت را به پیش آرد یزید
یار شیطان کار شیطانی کند	از هوسپازان نیاید مردمی
کیست آن کو پاسدار دین شود	
جان در این درگاه قربانی کند	

زیـن سـرود سـرخ آـنـان پـرـطـنـیـن
کـای اـمـان خـواـهـان گـنجـعـاـفـیـت

قـاعـدان کـاـهـل عـزـلـت گـزـین
زـنـدـگـی بـاـظـالـمـان شـرـمـنـدـگـی اـسـت

مـرـگـی بـاـعـزـت کـمـال زـنـدـگـی اـسـت
دـیـوـکـی زـیـبـد سـلـیـمانـی کـنـد

گـرـگـی چـوـن شـایـد کـه چـوـپـانـی کـنـد
گـرـرـقـبـیـب مـهـرـگـرـدـد اـهـرـمـن

روـزـهـاـشـاـم ظـلـمـانـی کـنـد
پـوـرـبـوـسـغـیـان اـگـر شـدـپـیـشـوـا

رـخـنـه در دـیـن مـسـلـمـانـی کـنـد
جـاـهـلـیـت رـاـبـه پـیـش آـرـدـیـزـید

پـشت بـرـآـیـات قـرـائـی کـنـد
از هـوـسـبـاـزـان نـسـیـاـید مـوـدـمـی
یـارـشـیـطـان کـارـشـیـطـانـی کـنـد
کـیـیـسـت آـن کـوـپـاسـدـار دـیـن شـوـد

جـانـ در اـیـن درـگـاه قـرـبـانـی کـنـد
آن کـه اـیـن پـیـغـام رـاـبـاـخـطـخـون

نـقـش بـرـآـیـن گـنـبـدـفـانـی کـنـد
زـنـدـگـی بـاـظـالـمـان شـرـمـنـدـگـی اـسـت

مـرـگـی بـاـعـزـت کـمـال زـنـدـگـی اـسـت
ایـن غـزـل دـیـبـاـچـه دـیـوـان کـیـیـسـت

زندگی با ظالمان شرمندگی است

مرگ با عزت کمال زندگی است

دیوکی زیبد سلیمانی کند

گرگ چون شاید که چوپانی کند

گر رقیب مهر گردد اهرمن

روزها را شام ظلمانی کند

پوربوسفیان اگر شد پیشوا

رخنه در دین مسلمانی کند

جاہلیت را به پیش آرد یزید

پشت بر آیات قرآنی کند

از هوسپازان نیاید مردمی

یار شیطان کار شیطانی کند

کیست آن کو باسدار دین شود

جان در این درگاه قربانی کند

آن که این پیغام را با خط خون نقش بر این گنبد فانی کند

زندگی با ظالمان شرمندگی است

جاری سرخ دل سوزان کیست

این غزل دیباچه دیوان کیست

نغمه مرغ سرا بستان کیست

می دمد گلبانگ مسجد از مصاف

این مصلی خطه میدان کیست